

متن پرسش

با عرض سلام، در مورد اینکه جناب علامه در مورد قیومیت مار بر زن اشتباه کردند چند تا سوال داشتم اول اینکه مساله به این سادگی نیست که بگیم علامه اشتباه کردند، چون این اشتباه به خانه نشین کردن نیمی از اجتماع می‌انجامد و خوب ما خودمون بهتر میدونیم که علامه چه قدر روی این مسائل حساس بودن، و نمی‌شه گفت که علامه همین طوری این اشتباه رو کردن. ما هم قرار شد بنا بر بحثی که در سوره فجر کردین کاری به قبول داشتن خود جناب علامه نداشته باشیم و با عقل خودمون اون فرضیه‌هایی که علامه به این نتیجه میرسن رو بسنجیم و به اون نتیجه برسیم، چرا علامه برا این نتیجگی‌پیشون هیچ دلیلی نمیارن، شاید جای دیگه اشاره کردن که من نمیدونم لطفا راهنمایی کنید. یه مساله دیگه اینکه پس خدا آیا کمک نمی‌کنه که ادم هم چین اشتباهی نکنه؟ ممکنه بگین که کمک خدا اینه که یک نفر امروز مانند آیه لله جوادی میان و درست میفهمند ولی خوب از کجا معلوم که یک نفر بعد از ایشون نیاد و یک چیز دیگه‌ای بگه درسته که نمی‌شه با وجود چند اشتباه در یک مجموعه از کل آن محروم شد که احادیث ما هم همگی درست نیستند ولی واقعا چه معیاری باید باشه که ادم بفهمه که این درسته یا غلط بالاخره ادم با یه اعتمادی میره سراغ تفسیر، فرض کنین یه حاج آقای یک عمر رفته و بر اساس این تفسیر برا مردم گفته که ای مردم زن بر مرد قیم نیست و خودش هم این سختگیری‌ها رو با زن و بچه اش کرده الان فهمیده که نه اینطوریام نیست خوب تکلیف این بابا چیه؟ خوب اینم خودش می‌شه یه جور قرأت متفاوت از دین. و سوال دیگه من این بود که کسی که به توحید میرسه و زشتی کار رو میبینه چطور دیگه اشتباه می‌کنه؟

متن پاسخ

باسمه تعالی علیکم السلام همان‌طور که متوجه‌اید اهل توحید وارد نور می‌شوند و نور الهی موجب می‌شود که آن‌ها حق را از باطل تشخیص دهند و بنده علامه طباطبایی و امثال ایشان را این‌طور می‌بینم که با نور الهی موضوعات را می‌نگرند و آیات را تفسیر می‌کنند و لذا تفاوت نظر چنین بزرگانی در أدق و دقیق بودن نظرات آن‌ها است که یکی را خدا در موضوعی دقیق‌تر می‌کند و لذا این‌طور نیست که نظر دقیق نسبت به نظر أدق باطل باشد تا بگوییم یکی درست می‌گوید و دیگری اشتباه. مثل نور که دارای شدت و ضعف است ولی این‌طور نیست که نور ضعیف واقعیات را نشان ندهد. همچنان‌که در قرآن در سوره‌ی حشر آیه‌ی ۵ می‌فرماید: با این‌که بعضی مؤمنین نظرشان آن بود که نخل‌های یهودیان را قطع کنیم تا امیدشان قطع شود و از مدینه بروند و بعضی دیگر می‌گفتند این‌ها

بالاخره می‌روند نخل‌ها را قطع نکنید تا برای مسلمانان بماند، خداوند می‌فرماید هر دو کاری که انجام شد به اذن الهی بود و نتیجه آن شد که فاسقان یعنی یهودیان که عهد خود را با پیامبر «صلوة الله علیه وآله» شکستند خوار و ذلیل شوند. عرض بنده آن است که عموماً علماء توحید هرکدام جلوه‌ای از حقیقت را برروی ما می‌گشایند و به هرکدام عمل کنیم راه توحید را پیموده‌ایم. موفق باشید